

<p><b>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز:</b> سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p>	
<p><b>حديث روز:</b></p> <p>پیامبر اسلام(ص)، داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید.</p> <hr/> <p><b>واحه:</b></p> <p>صائب تبریزی</p> <p>عشقی را گفتم به دست آرم عنان اختیار تا عنان آمد به دستم اختیار از دست رفت</p>	<div style="text-align: center; font-size: 4em; font-weight: bold; margin-bottom: 10px;">صبح</div> <div style="display: flex; justify-content: space-between; align-items: center;"> <div style="font-size: 0.8em; line-height: 1.2;"> <p>■ شایه: ۰۳۵-ISSN1۷۳۶۳۷</p> <p>■ پایگاه اطلاع رسانی: <a href="http://www.jamejamonline.ir">www.jamejamonline.ir</a></p> <p>■ پست الکترونیکی: <a href="mailto:info@jamejamdaily.ir">info@jamejamdaily.ir</a></p> </div> </div>
<p>دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰   ۵ شوال ۱۴۴۲   ۲ صفحه   سال بیست و دوم - شماره ۵۹۳۹   استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان   Monday - May 17, 2021</p>	

## تغییر رویکرد دانش بنیان

❖ مدیر یک شرکت  
دانش بنیان که بر اثر  
نابسامانی‌های  
اقتصادی اخیر دچار  
بحران‌های شدید مالی  
شده بود، یک روز  
بعد از ظهر پس از

مقطع  
حساس کنونی



با تنش‌های ناراحت‌کننده همواره بود. دانش‌بنیان بیرون آمد و به پارک کوچکی که در آن نزدیکی بود رفت و روی یکی از نیمکت‌های پارک نشست و به افق‌های دور خیره شد. در این لحظه پیرمرد متشخصی که کت و شوالر آکراوات پوشیده بود در کنار وی روی نیمکت نشست و گفت: چرا مشام گرفته‌ای جوان؟ مدیر دانش بنیانی طی جلسه دقیق‌ه وضعیت شرکت را برای پیرمرد تشریح کرد. پیرمرد بلافاصله دسته‌چکی از جیب بغل کتش بیرون آورد و با خود دیوس رقم ۱۰۰ میلیارد تومان را روی آن نوشت و به مدیر داد و گفت: یک سال دیگر در همن ساعت در همین جا این مبلغ را به من می‌دهی و با مدیر حاضر گفتی که رفت. مدیر به امضای چک دقت کرد و نام قرمزیان را تشخیص داد و با شادی و شغف از این که یکی از ثروتمندترین اشخاص کشور چنین مبلغی به وی قرض داده‌است به دفترش در دانش بنیان بازگشت. وی نخست تصمیم پیرمرد از آن رقم نقد و مدیرهای شرکت را بی‌بردار از کار افتاده بدفشد و چک را که گواصندوق گذاشت و به پشتوانه آن چند طرح‌های بلندپروازانه دانش بنیان را عملیاتی کرد. طرح‌های بلندپروازانه وی طی چند ماه نتیجه داد و طی یک سال، شرکت بدون آن که چک قرمزیان را نقد کند به سود ۲۰۰ میلیارد تومان رسید. یک سال بعد مدیر دانش بنیان با یکی دست‌سگدل به پارک رفت و روی همان نیمکت نشست. در دقیقه بعد مردی با رویوش سفید نزد وی آمد و گفت: شما یک پیرمرد که کراوات و دسته‌چک دارد ندیدی؟ مدیر گفت: من هم منتظر او هستم. مرد گفت: او دیوانه است و همواره از آسایشگاه فرار و خود را رعیت یا زنجانی یا جواهریان می‌داند. یکی دیگر از اشخاص ثروتمند معرفی می‌کند و پیرمرد می‌کشد و مردم را سر کار می‌گذارد. در این لحظه مدیر دانش بنیان فهمید چک قرمزیان الکی بوده و دریافت این پول نبوده که شرایط او را تغییر داده، بلکه اعتماد به نفس به وجود آمده در او بوده که قدرت لازم برای نجات شرکت را او داده بوده. همین زمان طی تغییر دیدگاه، مرد، رویوش سفید نزد پیرمرد دیوانه را پیدا کرد و توی ماشین چپان تان به آسایشگاه برد.

کرونا با دانش و علم پزشکی مقابله می کردند و می کنند و فکر می کنند می توانند با توصیه های بیهوده و بی بنیای با کرونا مبارزه کنند.

**۴ افتادگی آموز اگر طالب فیضی**

آیتا... بهجت به همه مردم احترام می گذاشتند و این احترام را حق الناسی می دانستند که بر گردن ایشان است. در خاطرات گفته بودند روزی بعد از پایان نماز متوجه می شوند مردی منتظر نشسته تا با ایشان صحبت کند.

نماز و تعقیبات آیتا... معمولاً طولانی بوده، وقتی می بینند آقایانی منتظر نشسته، از ایشان عذرخواهی می کنند و می گویند متوجه نشدم شما منتظر من هستید. این روح لطیف و این حجم از مهریابی و مردماری بی نظیر است. از کمک هایی که به دفتر ایشان می شده به نیازمندان کمک می کردند و آیتا... تاکید داشتند کمک ها به گونه ای باشد که آبروی فرد در نظر گرفته نشود و او شرمندة نشود. عزت و آبروی مردم در هر قشر و هر طیفی که بودند برای ایشان بسیار مهم بوده.

**به آنچه می‌دانید عمل کنید**



یک بار در حرم حضرت معصومه (س) و جای که ایشان نماز جماعت را برگزار می‌کردند، زنجیر می‌کشند تا بین ایشان و مردم فاصله‌ای ایجاد شود که برخی به دلیل محبتی که به ایشان دارند به سمت ایشان هجوم نبرند اما آیت... بهجت با دیدن زنجیر عصبانی می‌شوند و می‌گویند چرا بین من و مردم فاصله ایجاد کرده‌اید و زنجیر را برمی‌دارند و دیگر این کار تکرار نمی‌شود. ایشان عارفی بزرگوار بودند اما بسیاری از رفتارها و گفتارهایشان را پنهان می‌کردند. یک بار همسرشان به ایشان می‌گوید: «مردم می‌گویند شما طای الارض دارید... شما از این کارها بلدید؟» آیت... بهجت کتمان می‌کند. وقتی مردم از ایشان می‌پرسند چه کنیم تا به مراتب عرفانی برسیم، ایشان در جواب فقط یک جمله می‌گویند: «به آنچه می‌دانید، عمل کنید.» این را سخت نمی‌کردند، نسخه‌های پیچیده و سنگین به مردم نمی‌دادند که نتوانند به آن عمل کنند یا از دین سرخورده شوند. به ایشان می‌گفتند برایمان دعا کنید و ایشان در پاسخ می‌گفتند: همه چیز دعایی نیست. برخی چیزها دواپی است. اگر بیماری اخلاقی داری باید آن را مداوا و بعد دعا کنی. اهل این نبودند که کرامات خود را به زبان بیاورند و رفتار و گفتار عجیب و غریبی انجام دهند. عارفی بودند که پایشان روی زمین بود و حلقه وصلی بودند بین آدم‌ها و خداوند.

گفت وگو با اعظم ایرانشاهی، نویسنده کتاب  
خاطرات آیت‌ا... بهجت

# مردی شبیه باران

📅 سال ۸۸ از روزهای که جامعه به شدت سیاست‌زده شده و قرار بود انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود اردیبهشت‌ماه، نیم‌تاب کاندیداها بود و چشم و گوش مردم به سمت آنها بود تا ببینند و بشنوند که قرار است با برنامه‌های آنها کشور به کدام سو برود. صبح روز ۱۲ اردیبهشت یک خبر از وسط همه خبرهای انتخاباتی تر شد و برای دو سه روزی آنها را در سایه قرار داد... «آیتا... بهجت ۹۳ سالگی در شهر قم از دنیا رفتند». همه آنها که «آیتا... بهجت» را نزدیک کرد کرده، در نمازهای شرکت کرده، بای منبر و روی هایش نشسته بودند

**🔴 یک عالم مهربانی**

ایران‌شاهی پنا به خاطراتی که شنیده و آنها را روایت کرده درباره شخصیت ایشان و سبک زندگی‌اش می‌گوید: از لایه‌ای خاطرات توانستم به نوع رفتار و برخورد آیت... با اعضای خانواده، همسایه‌ها، فامیل، بچه‌ها، گیاهان و حیوانات پی ببرم. ایشان با همه موجودات خاندون مهر‌باز بوده‌اند. مثلاً گفته بودند درختی در خانه داشته‌اند که خشک شده بود و می‌خواستند آن را قطع کنند، آیت... اجازه نمی‌دهد و می‌گوید این درخت را فلانی کاشته‌است و یادگار و حیف است قطع شود.

ایشان حتی اجازه نمی‌داده خاطر یک نفر پاک شود، آنقدر که آدم‌ها برایشان اهمیت داشته‌اند. نوه‌هایشان وجوه داشته‌اند، به آنها می‌گویند که هوا سرد است و می‌جوشه سرما می‌خورند. حتی دل‌شان برای وجوه‌ها می‌سوزد. رابطه‌شان با خدا بسیار خوب بوده و همین باعث می‌شده که رابطه‌شان با انسان‌ها و دیگر مخلوقات خداوند هم خوب باشد.

روان نوشت. لازم نیست از کلمات سنگین و فرمایشی استفاده کرد. شاید به این دلیل که آیت... با مردم ساده و راحت رفتار می‌کرد. زندگی توام با حکمت، معرفت، ایمان و ادب در پیرامون ایشان جاری بود. عظم ایرانشاهی، نویسنده جوانی است که سال ۹۵ از سوی دفتر نشر آثار آیت... بهجت برای تنظیم خاطرات ایشان دعوت به همکاری می‌شود و کتاب‌های به شیوه باران و دریا، سفید را بر اساس خاطرات شفاهی از بازمانده از ایشان می‌نویسد که منتشر شده است.

**خودشان دعوت کردند**

ایرانشاهی درباره دعوتش برای نوشتن این کتابها می‌گوید: یادم هست صبح همان روز با یکی از دوستانم صحبت می‌کردم که به من گفت: خیلی



**تلنگر**

**صیامی دانست**

**پیتزاچيست**

👉 می‌گویند آدم‌های جنوب‌شهری وقتی دوست جدیدی پیدا می‌کنند می‌روند خواستگاری کسی که می‌خواهند زندگی



علیرضا رافتی

ببازند، کارشان سخت‌تر است. تا یک ماه فقط باید ثابت کنند آنها هم سوز و پیژنا می‌خورند! اما صبا هیچ وقت نتوانست ثابت کند فرق پیژنا و سوجوک و پپورونی را می‌داند.

صبا از هرات آمده بود تهران. پسر جوانی بود که با دعوت برادرش پشتون آمده بود تهران که یک زندگی جدید را شروع کند. پشتون مثل اسمش که در فرهنگنامه و ازگان فارسی به معنای فداکار است، سال‌ها قبل از یک زندگی در هرات که تقریباً هیچ ارزش باقی مانده بود، پلنه نشد و آمد تهران که برای خود و خانواده‌اش زندگی جدید بسازد.

مدتی کارگری کرده بود و بعد مغازه‌ای را با پس‌انداز کارگری رهن کرده و بعد از چند سال صاحب دو دهنه سوپرمارکت شده بود که می‌توانست کاشی به زندگی پدر و مادر پیر و خواهر و برادرهایش بدهد.

رنگ زده بود هرات که دیگر و قتلش است جمع کنید و بیاپید ایران. صبا هم آمده بود. صبا چشم پشتون بود. همان اول کار برادر بزرگ یک ماشین و یک مغازه ارابه‌ای را داده بود دست صبا که بود و زندگی‌اش را بسازد.

صبا همیشه می‌خندید و مدام از امید می‌گفت. می‌گفتم این سخنران‌های انگیزشی برای این دست امیدباقی‌هایشان کلی پول به جیب می‌زنند. تو چرا گفتم و بجای خودت را رنگ می‌زنی که دنیا چه جای زیبایی است و چند همه چیز خوب است؟! صبا اما هر بار می‌خندید و باز از دنیای زیبا و امید به آینده حرف می‌زد.

را با گلوله شکافته و برای همیشه از دنیا  
خداحافظی کرده بود. چند روزی گیج بود تا  
ته ماچرا را از پشتون دریابورم. می‌گفت صبا  
از وقتی آمد ایران دوست داشت با مردم  
ارتباط بگیرد... دوست پیدا کند... عشق  
را در چشم کسی ببیند... ازدواج کند... اما  
هیچ‌کس نگاه یک آدم عادی را به یک مهاجر  
افغان نداشت.

صبا مجبور بود مدام از امید و زیبایی دنیا بگوید که ثابت کند او هم زیبایی را می بیند و ثابت کند او هم موز و پیتزا خورده است اما هیچ کس باور نکرد.

مرور و عبور  
جام جم ۲۰ سال قبل

## نمایش «رنگ خدا» در دوحه

فیلم «رنگ خدا» ساخته مجید مجیدی در مراسم افتتاحیه جشنواره جهانی فیلم ۲۰۰ شهر دوحه، پایتخت قطر نمایش داده شد.

مسمن رمضانی، بازیگر روشندل که نقش اصلی فیلم رنگ خدا را بازی می‌کند در مراسم افتتاحیه این جشنواره حضور داشت که با ابراز احساسات حاضران روبه‌رو شد. جشنواره ۲۰۱ از سوی سازمان فرهنگی هنر و همکاری شرکت سینمایی و توزیع فیلم قطر برگزار شده است. (صفحه ۳)

## آغاز بانکداری الکترونیک در ایران

مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران اعلام کرد: همزمان با فرارسیدن دهمین سالگرد تأسیس این بانک (۱۹ تیر) بانکداری الکترونیک برای اولین بار در ایران آغاز به کار می‌کند.

دکتر نوروز کهزادی به تأثیر و نفوذ روزافزون تجارت الکترونیک در سطح جهان از طریق بانک‌ها و سازمان‌های تجاری اشاره کرد و گفت: فروش اینترنتی از طریق اینترنت در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار بوده و این مبلغ در سال ۲۰۰۴ به مبلغی حدود ۴۸۸ میلیارد دلار خواهد رسید. (صفحه ۴)

[illegible]

## تایید صلاحیت شده‌ها

شورای نگهبان روز گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای اسامی ۱۶ نفر از نامزد های انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری را که به تایید این شورا رسیده‌اند، اعلام کرد. احمد توکلی، عبداللہ جاسبی، سید محمد خاتمی، سید منصور رضوی، علی شمعانی، سید شهاب الدین صدر، حسن غفوری فرد، علی فلاحیان، سید محمود مصطفوی کاشانی و سید مصطفی هاشمی ملای جزو فهرست نهایی تایید شدگان هستند. (صفحه یک)

## سخنان رهبر معظم انقلاب درباره انتخابات

حضرت آیت‌ا... خاмене‌ای، رهبر معظم انقلاب دیروز در دیدار جمعی از اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی مستقر دانشگاه‌های سراسر کشور با اشاره به سابقه درخشان و موقعیت ممتاز ایران و طبقه نسل جوان را شواخت و جایگاه و موقعیت کشور و نظام اسلامی در دنیا و برنامه‌های سلطه‌گران بین‌المللی برای ایجاد خلل در عزم ملی و ایستادگی ملت ایران دانستند و تصریح کردند: مهم‌ترین مسؤولیت نسل جوان و به خصوص دانشجویان پایبندی به ارزش‌های دین اسلام و انقلاب و هشیارانه بودن عزم و طریقه و برنامه دشمن است.

ایشان با اشاره به جایگاه کنونی نظام اسلامی و موضوع مسئولیت آن در خصوص مسائل گوناگون بین‌المللی و ایستادگی ملت ایران در مقابل خواست قدرت‌های بیگانه خاطرنشان کردند: دشمن سراسر برنامه‌ای دقیق و طراحی شده قصد دارد عزم ملی و ایستادگی ملت ایران در مقابل تهدیدها و فشارهای قدرت‌های بین‌المللی را بشکند. (صفحه ۲)

## وضعیت نگران کننده زنان سرپرست خانوار

رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: به رغم این که حدود ۵۰ درصد راه یافتگان به مراکز دانشگاهی کشور از زنان تشکیل می‌دهند، وضعیت آنان در بعضی شاخه‌ها بسیار نگران‌کننده است.

دکتر غلامرضا انصاری روز گذشته در جمع خبرنگاران گفت: در حال حاضر ۲۹ درصد افراد زیر خط فقر کشور از زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند و حدود ۳۰ درصد زنان سوادپایه هستند و اغلب در بی‌سوادی محض به سر می‌برند. علاوه بر این حدود ۳۰ درصد زنان هیچ درجۀ در شغلی در خانواده ندارند و درصد زیادی از آنان تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند، مهارت شغلی ندارند و سلامت آنها در خطر است. (صفحه ۱۳)